



درسنامه
سبک زندگی اسلامی
(با رویکرد تجویزی)

حجت الاسلام دکتر محمد کاویانی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۴

کاویانی، محمد، ۱۳۴۱- .
درسنامه سبک زندگی اسلامی (با رویکرد تجویزی) / محمد کاویانی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
دوازده، ۲۹۲ص: نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۳۴۲: روان‌شناسی؛ ۳۱)
ISBN: 978-600-298-111-0
بها: ۱۱۳۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۲۵۹-۲۶۸]؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. زندگی - جنبه‌های مذهبی - اسلام. ۲. کیفیت زندگی - جنبه‌های مذهبی - اسلام. ۳. شیوه زندگی.
۴. راه و رسم زندگی (اسلام). الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
۱۳۹۴ ۴ ۲۵۸/ک BP ۷۲ / ۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی ۴۱۱۳۷۳۲



درسنامه سبک زندگی اسلامی (با رویکرد تجویزی)

مؤلف: محمد کاویانی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۴

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۱۳۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۲۱۱۱۱۰۰ - ۰۲۵ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمایر: ۳۲۸۰۳۰۹۰

ص.پ. ۳۱۵۱ - ۳۲۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی ره بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان متن درسی در زمینه «سبک زندگی اسلامی» برای دانشجویان کارشناسی در تمام رشته‌ها، تنظیم شده است و می‌تواند در قالب دو واحد درسی از دروس معارف اسلامی ارائه شود.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه بر خود لازم می‌داند از مؤلف محترم اثر حجت‌الاسلام دکتر محمد کاویانی و ارزیابان محترم اثر حجج اسلام آقایان دکتر احمد حسین شریفی و دکتر محمدصادق شجاعی سپاسگزاری نماید.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
درس اول: مفهوم‌شناسی و پیش‌فرض‌های «سبک زندگی اسلامی»	۳
۱. اصطلاحات نزدیک به سبک زندگی و معنای آنها	۳
سبک زندگی	۴
آیین زندگی	۴
کیفیت زندگی	۵
استاندارد زندگی	۵
سبک زندگی اسلامی	۵
معنای زندگی	۵
اخلاق اسلامی	۶
مهارت‌های زندگی	۶
۲. اسلام یک سیستم مفهومی جامع	۶
۳. ابعاد مختلف اسلام و تقسیم‌بندی‌های متعدد	۱۶
الف) قول مشهور راجع به ابعاد اسلام	۱۸
ب) نظرات دیگر راجع به ابعاد اسلام	۱۹
۴. پیوستاری بودن مفهوم اسلام (یا ایمان)	۲۰
○ خلاصه درس	۲۳
درس دوم: پیشینه مباحث «سبک زندگی»	۲۵
۱. پیشینه مطرح شدن «سبک زندگی» به صورت علمی در غرب	۲۵
۲. پیشینه مطرح شدن «سبک زندگی» به صورت علمی در ایران	۲۷
۳. پیشینه مطرح شدن سبک زندگی در مطالعات اسلامی	۲۹

۳۲	۴. سنجش سبک زندگی
۳۲	پیشینه سنجش سبک زندگی در غرب
۳۳	پیشینه سنجش سبک زندگی در ایران
۳۴	○ خلاصه درس

۳۷	درس سوم: دیدگاه‌های سبک زندگی
۳۷	۱. دیدگاه‌های جامعه‌شناختی
۳۸	الف) حضور اصطلاح «سبک زندگی» در جامعه‌شناسی
۳۸	ب) تعریف‌های سبک زندگی
۴۰	ج) عناصر سبک زندگی
۴۱	د) تفاوت دیدگاه‌ها درباره سبک زندگی
۴۴	۲. دیدگاه‌های روان‌شناختی
۴۴	الف) نگرش روان‌شناسی فردی به سبک زندگی
۴۵	ب) درخت سبک زندگی
۴۶	ب-۱. ریشه‌های درخت سبک زندگی
۴۸	ب-۲. ساقه درخت سبک زندگی (نگرش‌های کلی حاکم بر سبک زندگی)
۴۸	ب-۳. شاخه‌ها و سرشاخه‌های درخت سبک زندگی (وظایف زندگی)
۵۲	○ خلاصه درس

۵۵	درس چهارم: نگاهی اجمالی به سبک زندگی فردی (تجویزی)
۵۵	۱. مطالعات ضروری
۵۷	۲. چهارچوب کلی برای سبک زندگی تجویزی اسلام
۶۰	۳. ترسیمی کلی از درخت سبک زندگی اسلامی (در مقیاس فردی)
۶۱	۴. سبک زندگی اسلامی جزیره‌ای نیست
۶۳	۵. مقایسه سبک زندگی اسلامی با دیدگاه روان‌شناسی فردی
۶۳	الف) مشابهت‌ها و تأییدها
۶۸	ب) تفاوت‌ها و انتقادات
۷۰	۶. مقایسه سبک زندگی اسلامی با دیدگاه‌های دیگر
۷۱	○ خلاصه درس

۷۳	درس پنجم: شکل‌گیری سبک زندگی (قبل از ولادت، کودکی، نوجوانی)
۷۳	۱. تربیت کودک قبل از تولد
۷۵	۲. توجه به نیازهای کودک در ماه‌های اولیه زندگی

۳.	توجه عاطفی به فرزند در همه دوران زندگی، خصوصاً در زمان کودکی	۷۷
۴.	نگرش والدین	۷۹
۵.	سلامتی و ظاهر فرد	۸۰
۶.	نقش جنسیتی	۸۱
۷.	وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده	۸۳
۸.	نگرش‌های تربیتی والدین	۸۴
○	خلاصه درس	۸۸

درس ششم: سبک زندگی و نگرش به هستی		
۱.	نگرش به هستی و تقسیم آن به غیب و شهود	۹۱
۲.	مصادیق غیب و ایمان به آن	۹۲
الف)	خداوند از مصادیق غیب است	۹۳
ب)	یکی دیگر از مصادیق غیب، ملائکه هستند	۹۴
ج)	یکی دیگر از مصادیق غیب، جن است	۹۴
د)	شیطان نیز از مجردات و از امور غیبی است	۹۵
ه)	روح انسانی نیز از مصادیق غیب است	۹۶
و)	برزخ نیز قابل مشاهده نیست	۹۸
ز)	قیامت مرحله بعد از برزخ است	۹۹
ح)	بهشت و جهنم نیز از امور غیبی است	۱۰۰
۳.	پیوستگی دنیا، برزخ و آخرت	۱۰۱
۴.	طبیعت برای انسان خلق شده است	۱۰۲
۵.	زمین فراش است و مناسب زندگی انسان گسترده شده است	۱۰۳
۶.	هستی یکپارچه است و خالق واحدی دارد	۱۰۴
○	خلاصه درس	۱۰۵

درس هفتم: سبک زندگی و نگرش به خود		
۱.	خود نوعی	۱۰۷
الف)	انسان مخلوق است	۱۰۷
ب)	انسان گل سرسبد مخلوقات است	۱۰۹
ج)	انسان خلیفه روی زمین است	۱۰۹
د)	انسان بنده است	۱۱۰
ه)	انسان از نظر قرآن، ویژگی‌های روان‌شناختی‌ای دارد	۱۱۲
و)	انسان از نظر استعداد، آگاهی و فضیلت علمی از فرشتگان فراتر است	۱۱۳

- ۱۱۴ (ز) انسان دشمنی به نام هوای نفس دارد
- ۱۱۶ (ح) انسان دشمنی به نام شیطان دارد
- ۱۱۶ ۲. خود شخصی
- ۱۱۷ (الف) من هم یکی از افراد نوع انسانی هستم
- ۱۱۷ (ب) من شخصی به همان مقدار که توانایی دارم، وظیفه دارم
- ۱۱۷ (ج) من شخصاً نتیجه رفتارم را دریافت می‌کنم
- ۱۱۸ ○ خلاصه درس

- ۱۲۱ **درس هشتم: سبک زندگی و نگرش به دیگران**
- ۱۲۱ ۱. نگرش اسلامی به دیگران
- ۱۲۲ (الف) دیگران در مسیر مبدأ و معاد با ما مشترک هستند
- ۱۲۲ (ب) دیگران همانند ما حق حیات دارند
- ۱۲۳ (ج) در انجام کار خیر باید از دیگران سبقت بگیریم
- ۱۲۵ (د) دیگران در قبال ما و ما در قبال دیگران، مسئولیت داریم
- ۱۲۶ (ه) دیگران با ما در ارزش‌های انسانی مساوی هستند
- ۱۲۷ (و) بعضی از افراد با ظرفیت‌های بیشتر و با وظایف و بهره‌مندی بیشتری می‌باشند
- ۱۲۷ ۲. نگرش اسلامی به جنس مخالف
- ۱۲۷ (الف) زن و مرد در ارزش انسانی برابرند
- ۱۲۸ (ب) زن و مرد دو جنس مکمل هم هستند
- ۱۲۹ (ج) زن و مرد تشابهات جسمانی و روانی دارند
- ۱۳۰ (د) دو جنس در بسیاری از تکالیف مشترک هستند (براساس تشابهات)
- ۱۳۱ (ه) زن و مرد تفاوت‌های جسمانی و روانی مشخصی دارند
- ۱۳۲ (و) تفاوت در وظایف به تناسب ویژگی‌های جسمانی و روانی آنهاست
- ۱۳۴ ○ خلاصه درس

- ۱۳۷ **درس نهم: سبک زندگی و نگرش به زندگی**
- ۱۳۷ ۱. نگرش اسلامی به زندگی
- ۱۳۷ (الف) زندگی از دنیا به آخرت استمرار دارد
- ۱۳۸ (ب) مراحل از زندگی گذشته و مراحل در پیش است
- ۱۴۰ (ج) زندگی دنیا نسبت به زندگی آخرت کوچک است
- ۱۴۱ (د) باید به زندگی خوش‌بین و امیدوار باشیم
- ۱۴۲ (ه) باید نسبت به پروردگار خوف و رجا داشته باشیم
- ۱۴۲ (و) زندگی (به تبع کل هستی) هدفمند است

۱۴۴	 (ز) اصل در زندگی انسان، زندگی اجتماعی است
۱۴۵	 ۲. نگرش اسلامی به مشکلات
۱۴۵	 (الف) مشکلات آزمایش است
۱۴۶	 (ب) این آزمایش به تمام مسائل زندگی تعمیم می‌یابد
۱۴۶	 (ج) مشکلات باعث تصحیح نگرش‌ها می‌شوند
۱۴۷	 (د) مشکلات ارج‌گذاری خداوند به مؤمنان است
۱۴۸	 (ه) مشکلات باعث کمال مؤمن می‌شود
۱۴۸	 (و) دنیا مکان مشکلات و رنج‌هاست
۱۴۹	 (ز) مشکلات کفاره گناهان است
۱۵۰	 ○ خلاصه درس

۱۵۳	 درس دهم: سبک زندگی فردی (۱)
۱۵۴	 ۱. تأثیر فرد بر جامعه
۱۵۵	 ۲. وظیفه عبادت و معنویت
۱۵۵	 (الف) تعریف عبادت و معنویت
۱۵۷	 (ب) مصادیق عبادت و معنویت
۱۶۱	 (ج) ملازمه عبادت و معنویت
۱۶۱	 (د) پیامدهای عبادت و معنویت
۱۶۴	 ۳. وظیفه ایجاد ویژگی‌های درونی مناسب
۱۶۴	 (الف) ویژگی‌های درونی، اخلاق و نگرش
۱۶۵	 (ب) مصادیق ویژگی‌های درونی
۱۶۵	 (ج) کیفیت ایجاد انگیزه‌های درونی
۱۶۷	 ○ خلاصه درس

۱۶۹	 درس یازدهم: سبک زندگی فردی (۲)
۱۶۹	 ۱. وظیفه تدبیر زمان
۱۷۰	 (الف) ارزش زمان را بدانیم
۱۷۲	 (ب) زمان‌های ویژه را بشناسیم
۱۷۳	 (ج) به مقتضیات هر زمان عمل کنیم
۱۷۵	 ۲. وظیفه شغلی
۱۷۶	 (الف) هدف از شغل چیست؟
۱۷۷	 (ب) ارزش کار و کارگر
۱۷۸	 (ج) آداب انجام کار

- ۱۸۰ (د) چه کاری انجام دهیم؟
- ۱۸۱ ○ خلاصه درس

- ۱۸۳ **درس دوازدهم: سبک زندگی فردی (۳)**
- ۱۸۳ ۱. وظیفه تفکر و علم
- ۱۸۳ الف) ضرورت و ارزش تفکر و علم‌آموزی
- ۱۸۶ ب) موضوعات تفکر و علم‌آموزی
- ۱۹۰ ج) انگیزه تفکر و علم‌آموزی
- ۱۹۱ ۲. وظیفه تغذیه و بهداشت
- ۱۹۱ الف) سلامت و بهداشت خود را حفظ کنیم
- ۱۹۳ ب) به زیبایی و ظاهر خود توجه داشته باشیم
- ۱۹۴ ج) چه بخوریم، چه نخوریم؟
- ۱۹۵ د) چگونه بخوریم و چگونه نخوریم؟
- ۱۹۶ ○ خلاصه درس

- ۱۹۹ **درس سیزدهم: سبک زندگی یک خانواده اسلامی**
- ۱۹۹ ۱. جایگاه و اهمیت خانواده
- ۲۰۱ ۲. وظایف جنسی
- ۲۰۱ الف) شناخت جایگاه وظیفه جنسی
- ۲۰۳ ب) بایدها و نبایدهای جنسی
- ۲۰۴ ج) بعضی از مصادیق قرآنی
- ۲۰۷ ۳. وظایف والدینی
- ۲۰۷ الف) وظیفه تولید نسل
- ۲۰۸ ب) وظیفه فرزندپروری در ابعاد مختلف
- ۲۰۸ ۴. وظیفه فراغت و آسایش
- ۲۰۹ الف) معنای فراغت و آسایش
- ۲۱۰ ب) ویژگی‌های اوقات فراغت
- ۲۱۱ ج) اقدامات شایسته درباره اوقات فراغت
- ۲۱۳ د) اوقات فراغت را چگونه بگذرانیم
- ۲۱۵ ه) صله ارحام
- ۲۱۶ ○ خلاصه درس

۲۱۹	درس چهاردهم: سبک زندگی در بعد اجتماعی و اقتصادی
۲۱۹	۱. وظایف اجتماعی و ضرورت اجتماعی بودن
۲۲۳	۲. سبک زندگی اقتصادی
۲۲۳	الف) انگیزه فعالیت‌های اقتصادی
۲۲۶	ب) بایدها و نبایدهای فعالیت اقتصادی (کسب درآمد، توزیع و مصرف)
۲۲۷	کسب درآمد
۲۳۰	توزیع
۲۳۳	مصرف
۲۳۴	ج) مسکن
۲۳۷	○ خلاصه درس

۲۳۹	درس پانزدهم: سبک زندگی در حیطه سیاست و امنیت
۲۳۹	۱. سبک زندگی فرهنگی
۲۴۰	الف) ایجاد فرهنگ اسلامی و انتقال آن به نسل جدید
۲۴۱	ب) تبلیغ و ترویج دین و دینداری در جامعه
۲۴۳	۲. سبک زندگی سیاسی
۲۴۳	الف) ضرورت توجه به امور سیاسی
۲۴۵	ب) آشنایی نظری با خطوط سیاسی (در حد ضرورت)
۲۴۷	ج) حضور عملی در موضع‌گیری‌های سیاسی (در حد ضرورت)
۲۴۸	د) انگیزه اسلامی برای حضور در میدان سیاسی
۲۴۹	۳. سبک زندگی اسلامی در حیطه دفاع و امنیت
۲۴۹	الف) حفظ امنیت داخلی (فردی و حکومتی)
۲۵۱	ب) حفظ امنیت مرزها (حکومتی)
۲۵۵	ج) مجازات مجرمان
۲۵۵	د) جهاد ابتدایی (تبلیغی)
۲۵۶	○ خلاصه درس

۲۵۹	منابع و مأخذ
-----	--------------

۲۶۹	نمایه آیات
۲۷۷	نمایه روایات
۲۸۸	نمایه اعلام
۲۹۱	نمایه موضوعات

مقدمه

سبک زندگی اسلامی تمام ابعاد زندگی (از ابتدا تا انتها) را دربر می‌گیرد؛ این کتاب نمی‌خواهد همه آن ابعاد و یا بُعد خاصی از آن (مثلاً سبک زندگی نوجوان، جوان یا دانشجوی) را بررسی کند؛ و در پی آن نیست که صرفاً به مباحث نظری و کلی بپردازد و سبک زندگی اسلامی را به عنوان یک نظریه پرورش دهد و آن را مستدل سازد، برای آنکه کاری بیشتر و مجالی دیگر می‌طلبد، بلکه این کتاب با این هدف تنظیم شده است که یک دورنمای نسبتاً جامعی از سبک زندگی اسلامی را در مقیاس فردی با ابعاد مختلف آن، به فراگیران ارائه کند؛ به گونه‌ای که هم با واقعیت‌های زندگی امروزی بشر، تماس کافی برقرار کند و هم ابتدای کافی بر آموزه‌های اسلامی را داشته باشد و در نتیجه، برای هر جستجوگر کنجکاو، به‌ویژه، برای نوجوان و جوان از باورپذیری لازم برخوردار باشد. به عبارت دیگر، این کتاب هم نگاهی از دور به نظریه سبک زندگی اسلامی دارد، و هم ناظر به نیازهای رفتاری فوری جامعه است و سعی کرده است که به فراگیر کمک کند تا به این باور برسد که اسلام دین زندگی است و همه ابعاد را در کنار هم ملاحظه می‌کند و سبک زندگی اسلامی، مجموعه منسجمی است که قابلیت اجرا دارد و می‌تواند زندگی بشر امروزی را اداره کند. از دانشجوی انتظار نمی‌رود که کیفیت استفاده از آیات و روایات در زیرنویس را بیاموزد، بلکه انتظار می‌رود که مفاهیم ارائه شده در متن را به خوبی دریافت کند؛ از این رو، مناسب است که اساتید نیز در این جهت تلاش بیشتری کنند.

با توجه به اینکه سبک زندگی یک بحث بین رشته‌ای است و ممکن است اصطلاحاتی از رشته‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مدیریت و علوم پزشکی در آن آمده باشد، در نگارش این کتاب بیشترین تلاش بر این بود که عبارت‌پردازی‌ها، به شکلی روان و عمومی بیاید. این کتاب به عنوان متن درسی در پانزده درس تنظیم شده است؛ بنابراین، در ابتدای همه درس‌ها «اهداف

آموزش» و در انتهای آن «خلاصه درس» و در بعضی موارد، در ضمن درس برای علاقه‌مندان، «بحث ویژه» و در زیرنویس‌ها، «منابعی برای مطالعه بیشتر» ارائه شده است. حجم درس‌ها به گونه‌ای تنظیم شده است که هر درس در یک جلسه (۱/۵ ساعت) ارائه شود و اگر تعداد صفحات درس‌ها مقداری تفاوت دارد، باید با پیش مطالعه و تلاش فردی جبران گردد.

درس اول به مفهوم‌شناسی سبک زندگی و مفاهیم نزدیک به آن می‌پردازد؛ درس دوم، پیشینه بحث سبک زندگی و دیدگاه‌های مربوط به آن در رشته‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم پزشکی و مطالعات اسلامی آمده است؛ درس سوم نیز در ابتدا یک چهارچوب کلی از سبک زندگی اسلامی در مقیاس‌های پنج‌گانه (فردی، خانوادگی، اجتماعی، حکومتی و بین‌المللی) را ترسیم می‌کند؛ سپس سبک زندگی در مقیاس فردی، در قالب درخت سبک زندگی را مورد توجه قرار می‌دهد؛ درس‌های بعدی نیز با قدری تفصیل، ابعاد و مؤلفه‌های مختلف سبک زندگی فردی یک مسلمان را بررسی می‌کند.

در اینجا لازم می‌دانم که از مدیر محترم گروه روان‌شناسی، آیت‌الله سیدمحمد غروی‌راد و حجج اسلام آقایان دکتر احمدحسین شریفی و دکتر محمدصادق شجاعی که متن اولیه را با حوصله خواندند و دیدگاه‌های اصلاحی بسیار مفیدی را ارائه کردند، تشکر ویژه داشته باشم.

بحول الله و قوته و اقوم واقعد

محمد کاویانی

درس اول

مفهوم‌شناسی و پیش‌فرض‌های «سبک زندگی اسلامی»

اهداف آموزش:

- پس از یادگیری این درس، انتظار از دانشجو آن است که:
 ۱. تفاوت مفهوم «سبک زندگی» با مفاهیم نزدیک را بداند.
 ۲. تصور درستی از جامعیت و نظام‌مند بودن مفاهیم اسلامی را داشته باشد.
 ۳. ابعاد مختلف اسلام را از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف بداند.
 ۴. بتواند پیوستاری بودن اسلام (و ایمان) را از دیدگاه درون‌دینی به‌درستی ترسیم کند.

در این درس، سبک زندگی و اصطلاحات نزدیک به آن را معنا و سپس سه قاعده کلی در ارتباط با اسلام را به عنوان پیش‌نیاز مباحث سبک زندگی بررسی می‌کنیم؛ این سه قاعده عبارت‌اند از: «اسلام یک سیستم مفهومی جامع است»، «اسلام به ابعاد مختلف زندگی نظر دارد» و «اسلام و ایمان، مفاهیمی پیوستاری هستند».

۱. اصطلاحات نزدیک به سبک زندگی و معنای آنها

از آنجا که اصطلاح «سبک زندگی» در ادبیات علمی در زبان فارسی، سابقه زیادی ندارد و مفاهیم نزدیک به آن نیز بسیار است و گاهی توسط صاحب‌نظران با مفاهیم دیگر یکسان تلقی می‌شود؛ به‌طور مختصر، به آن مفاهیم اشاره‌ای می‌شود تا بین آنها تفکیک حاصل شود و مفاهیم دیگر به جای سبک زندگی به کار گرفته نشوند.

سبک زندگی

مفهومی است که در رشته‌های مختلف؛ از جمله، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت، علوم پزشکی و... کاربرد فراوان دارد و هر کدام از این رشته‌ها از بُعدی خاص آن را معنا می‌کنند و اندک تفاوتی در تعریف آن دارند، آنچه در این کتاب مورد نظر است و جهت مشترک آنها هم به حساب می‌آید، این گونه است: «سبک زندگی شیوه‌ای نسبتاً ثابت است که فرد اهداف کوچک و بزرگ زندگی روزمره خود را بدان روش دنبال می‌کند»^۱، این شیوه‌ها، حاصل زندگی دوران کودکی فرد است و درواقع، سبک زندگی بعد عینی و کمیت‌پذیر شخصیت افراد است؛ به همین دلیل، نظریه «سبک زندگی» آدلر، نظریه «شخصیت» او نیز محسوب می‌شود و با صفات شخصیت شباهت‌هایی دارد؛^۲ مثلاً به تدریج ایجاد می‌شود و نه به صورت دفعی؛ هر گاه ایجاد شد، به آسانی زایل نمی‌شود، بلکه نسبتاً ثابت است؛ شکل‌گیری و زایل شدن آن تحت تأثیر عوامل متعدد است نه فقط یک عامل؛ هر گاه شکل گرفت، همه رفتارهای فرد را به نوعی تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؛ و البته یکی از اصلی‌ترین تفاوت‌های آن با شخصیت این است که شخصیت فقط در مورد افراد معنا و مصداق می‌یابد، در حالی که «سبک زندگی» معنا و مصداق گروهی و اجتماعی نیز پیدا می‌کند.

آیین زندگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی برای مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های ایران، درسی به نام «آیین زندگی» تعریف کرده است، این درس معادل اخلاق کاربردی است. همان‌گونه که از واژه «آیین» مشخص می‌شود، این درس فقط توصیه‌ای است و بعضی از موضوعات آن عبارت‌اند از: اخلاق دانشجویی، اخلاق آموزش، اخلاق نقد، اخلاق پژوهش، اخلاق معاشرت و...^۳

۱. وقتی از «اهداف زندگی»، سخن گفته می‌شود، منظور تنها اهدافی نیست که قبلاً با تأمل، تفکر و مشورت و به طور آگاهانه آن را به عنوان هدف برگزیده است، بلکه اعم است از اهداف برنامه‌ریزی شده و اهداف لحظه‌ای فوری و حتی اهداف ناهشیار؛ برای نمونه، کودکی که آموخته است با گریه به خواسته‌هایش برسد و آن را تکرار می‌کند؛ همسری که با حوصله تمام با همسرش سخن می‌گوید و هیچ‌گاه عصبانی نمی‌شود و همه مسائل را با گفتگو حل می‌کند؛ مدیری که با حوصله سخنان زیردستان خود را می‌شنود و سخنان نهایی خود را با عبارت‌های احترام‌آمیز به آنان منتقل می‌کند؛ خانواده‌ای که شب‌ها زود می‌خوابند و صبح‌ها زود از خواب بیدار می‌شوند؛ کسی که معمولاً با اتومبیل شخصی یا با سرویس اداری یا پیاده به سر کار می‌رود؛ کسی که معمولاً در طول یک شبانه‌روز، حداقل دو ساعت مطالعه می‌کند و نیز رفتارهای بسیار ریزتر یا درشت‌تر از اینها، زمانی که به صورت نسبتاً ثابت انجام می‌شود، «سبک» محسوب می‌شوند و هر کدام بخشی از سبک زندگی فرد به حساب می‌آیند.

۲. ر.ک: آدلر، ۱۹۰۷. ۳. ر.ک: شریفی، ۱۳۸۴.

کیفیت زندگی

مؤلفان زیادی درباره کیفیت زندگی و تعریف آن نظر داده‌اند، اما آنها کمتر برای رسیدن به تعریفی واحد تلاش کرده‌اند؛ بنابراین، در تعریف و مفهوم کیفیت زندگی نوعی نارسایی وجود دارد. در بررسی این مفهوم چند دیدگاه قابل طرح است: الف) کیفیت شرایط زندگی؛ ب) رضایت از شرایط زندگی؛ ج) ترکیبی از شرایط و رضایت. شباهت‌هایی در تعاریف کیفیت زندگی مشاهده می‌شود که عبارت‌اند از: الف) دارای چهار بعد جسمانی، روان‌شناختی، اجتماعی و عملکردی است؛ ب) ارزیابی ذهنی فرد برای خودش است؛ ج) ماهیتی پویا دارد و بیشتر یک جریان ناپایدار وابسته به زمان است تا یک پیامد نهایی.^۱

استاندارد زندگی

این مفهوم با شاخص‌هایی عینی اندازه‌گیری می‌شود. بعضی از رفتارها، از اموری هستند که با مشترکات انسان‌ها ارتباط دارند. این‌گونه امور را با سنجش عمومی و به دست آوردن پارامترهای آماری مانند میانگین و... می‌توان اندازه‌گیری و شناسایی عینی کرد که به آن استاندارد زندگی می‌گویند؛ این مفهوم شامل ابعاد مختلف زندگی، از جمله سطح آموزش، وضعیت اشتغال، غذا، لباس، مسکن، تفریحات و وسایل زندگی می‌شود.

سبک زندگی اسلامی

از آن جهت که «سبک» است، باید به رفتارهای عینی پردازد و شناخت‌ها و عواطف را چندان جدی نگیرد، ولی از آن جهت که «اسلامی» است، نمی‌تواند بی‌ارتباط با عواطف و شناخت‌ها باشد. در سبک زندگی اسلامی، رفتارهای فرد مورد سنجش قرار می‌گیرد و هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد، باید حداقل‌هایی از زیربناهای شناختی و عاطفی اسلامی را داشته باشد. در سبک زندگی از دیدگاه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم پزشکی، و... فقط به رفتار نگاه می‌شود؛ آنها به نیت، عواطف و شناخت‌های افراد توجه نمی‌کنند.

معنای زندگی

معنای زندگی بیشتر به فلسفه و کلام جدید مربوط است. نگاهی کلان به چیستی زندگی و هدف

۱. ر.ک: شیخی، ۱۳۹۲.

آن دارد؛ مثلاً به پاسخ سؤال‌های زیر می‌پردازد: آیا لازم است که انسان هدفی از کل زندگی داشته باشد؟ آیا هدف زندگی امری اکتشافی یا جعلی است؟ آیا باید معنایی کرد یا معنادهی؟ آیا هر فرد و یا گروهی از افراد، هدف ویژه‌ای از زندگی دارند یا هدف کل افراد یکسان است؟ آیا برای هدفمندی زندگی، وجود خدا یا زندگی پس از مرگ ضرورت دارد؟ هدف زندگی چه ربط و نسبتی با نظام اخلاقی دارد؟ پوچی چه جایگاهی دارد؟ و...^۱

اخلاق اسلامی

اخلاق اسلامی به صفات و رفتارهای درونی شده‌ای از فرد می‌گویند که مورد تأیید اسلام باشد. این رفتارها به سه قسم است: الف) اخلاق اجتماعی که رابطه فرد با دیگران را شکل می‌دهد، مثل حسود بودن یا نبودن؛ ب) اخلاق فردی، که به رابطه فرد با خودش توجه می‌کند، مثل پرخوری یا کم‌خوری؛ ج) اخلاق الهی که رابطه با خداوند مثل خشوع، توکل... را بررسی می‌کند.^۲

مهارت‌های زندگی

مجموعه‌ای از توانایی‌ها هستند که قدرت سازگاری، رفتار مثبت و کارآمد را افزایش می‌دهند، شخص می‌تواند بدون اینکه به خود یا دیگران صدمه بزند، مسئولیت‌های خود را بپذیرد و با چالش‌ها و مشکلات روزانه زندگی به شکل مؤثر روبه‌رو شود. بعضی از مهارت‌های زندگی که در روان‌شناسی بررسی می‌شوند، عبارت‌اند از: خودآگاهی، همدلی، ارتباط مؤثر، روابط بین فردی، تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر خلاق، تفکر انتقادی و...^۳

۲. اسلام یک سیستم مفهومی جامع

در دهه ۱۹۶۰م، روان‌شناسی جامعه‌نگر به وجود آمد. روان‌شناسان در سال ۱۹۶۵م، تجمعی در بوستون (یکی از شهرهای آمریکا) داشتند و آنان در آن تجمع برای ارتقای بهداشت روانی

۱. ر.ک: مجله نقد و نظر، بهار و تابستان ۱۳۸۳ که ویژه‌نامه «معنای زندگی» است.

۲. هرگاه بخواهیم رفتار افراد نسبت به طبیعت را از نظر اخلاقی بررسی کنیم، هر یک ذیل یکی از موارد سه‌گانه فوق جای می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، اگر کسی آن سه بخش از اخلاق را در وجود خودش درونی کند، به‌خودی‌خود با طبیعت هم رفتاری درست خواهد داشت.

۳. ر.ک: خورشیدی، ۱۳۹۰؛ دنیادیده، ۱۳۸۹.

همفکر شدند که باید نقش روان‌شناس تغییر کند، باید به کل جامعه به عنوان یک سیستم و به زیرمجموعه‌های آن به عنوان سیستم‌های فرعی نگاه کرد و به آسیب‌شناسی و درمان نیز باید از این افق نگریست.^۱ ابعاد مختلف سبک زندگی در جوامع مختلف نیز ارتباط شبکه‌ای و درهم‌تنیده دارند، پس لازم است که برای موفقیت بیشتر به آنها نیز نگرشی سیستمی داشته باشیم، تعالیم اسلامی را هم باید به عنوان یک سیستم مفهومی ملاحظه کنیم: «سیستم عبارت است از مجموعه‌ای از عناصر با مجموعه‌ای از ارتباطات که در تعادلی پویا برحسب هدفی معین، سازمان یافته‌اند و کل چیزی بیشتر از حاصل جمع اجزاست».^۲

در رویکرد سیستمی، چهار مفهوم پایه‌ای مشترک در همه سیستم‌ها وجود دارد: الف) بین عناصر تشکیل‌دهنده یک سیستم تعامل طرفینی یا چندسویه وجود دارد؛ ب) اگرچه یک سیستم ترکیبی از عناصر است، ولی در حاصل جمع ساده اجزا خلاصه نمی‌شود، بلکه کلیتی دارد که فراتر از آن است؛ ج) هر سیستمی دارای سازمان است و در سازمان، دو جنبه ساختاری و کارکردی مطرح می‌شود؛ د) سیستم دارای درجاتی از پیچیدگی است. منظور بغرنج بودن آن نیست، بلکه منظور این است که برای فهم آن، زمان و دقت کافی و روش مناسب لازم است.^۳

مطالعه جامع بر روی مفاهیم دینی نیز باید با نگرش سیستمی انجام شود.^۴ صاحب‌نظران تربیت اسلامی باید به اخلاق اسلامی توجه کنند، عالمان اخلاق باید به عرفان اسلامی توجه کنند، عرفان اسلامی با فلسفه اسلامی ارتباط نزدیک دارد، بررسی فقه اسلامی با مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... عجین می‌شود. هر رشته‌ای از رشته‌های علوم اسلامی، پیش‌نیازهایی در دیگر رشته‌های علوم اسلامی دارد، بسیاری از این مباحث مبتنی بر انسان‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی است، روابط عرضی و طولی فراوانی را بین رشته‌های مختلف علوم اسلامی مشاهده می‌کنیم و صاحب‌نظران اسلامی، به آن اعتراف و تصریح دارند... همه اینها برحسب اصطلاح، در قالب یک جمله قابل بیان است و آن، این است که مفاهیم و علوم اسلامی را باید با نگرش سیستمی نگاه کرد. ویژگی‌های مشترک سیستم‌ها، در مفاهیم اسلامی نیز حضور دارند.

۱. ر.ک: برتالانفی، ۱۳۶۶.

۲. ر.ک: جمعی از اساتید مدیریت، ۱۳۷۸.

۳. ر.ک: همان.

۴. از آنجا که: الف) گاهی در عمل به آموزه‌های اسلامی در جامعه، گرفتار تعارض، تزاخم یا جهل به تکلیف می‌شویم؛ ب) برخورد صحیح با آن تعارض، تزاخم، یا جهل، مستلزم داشتن یک سیستم عینی اسلامی است و ج) تنظیم سیستم عینی اسلام توقف بر تنظیم سیستم مفهومی اسلام دارد، تنظیم این سیستم مفهومی ضرورت دارد.

تعامل بین عناصر مفهومی اسلام: عناصر تشکیل دهنده سیستم مفهومی اسلام،^۱ تعاملی همه جانبه دارند. نظام اقتصادی اسلام نمی تواند بدون توجه به نظام سیاسی اسلام باشد و برعکس، نظام تربیتی اسلام باید با توجه به نظام اقتصادی اسلام باشد. همه این نظام ها باید متناسب و همخوان با نظام اخلاقی اسلام شکل گیرند و نظام های دیگر نیز باید این گونه باشند تا تعارض های نظری و تراحم های عملی بین آنها پیش نیاید. این تعامل چندسویه در بین سیستم های فرعی اسلام، قابل انکار نیست و در داخل هر کدام از سیستم های فرعی نیز این تعامل وجود دارد. در سیستم حقوقی اسلام، نمی توان حقوق بین الملل را تنظیم کرد و توجهی به حقوق کیفری اسلام نداشت، نمی توان سخن از حقوق اسلامی را به انتها رساند و هیچ نظری به فلسفه حقوق نداشت و بر این اساس، میان تمام عناصر تشکیل دهنده سیستم مفهومی اسلام، تعامل چندسویه برقرار است. **کلّیت اسلام بیشتر از حاصل جمع ساده اجزاست:** روح سیستم مفهومی اسلام، عبارت است از یک معرفت و تعبد بسیار متعالی که باعث قرب الی الله می شود و آن حدّ از معرفت و تعبد در پناه تمام سیستم های فرعی اسلام حاصل می شود. این سیستم در مقام باور و عمل (یا آمادگی برای عمل) نیز یک سیستم به هم پیوسته است.

مفاهیم اسلامی دارای ساختار و کارکردی نظام مند هستند: اسلام از نظر ساختاری دارای مرز است و خود را از غیر خود متمایز می سازد. با هر قاعده کلی که بیان می کند، گوشه ای از آن مرز را به تصویر می کشد هر کدام از حیطه های اقتصادی، اخلاقی، سیاسی، فقهی، حقوقی، کلامی، فلسفی، اجتماعی، تربیتی و...، یک سیستم فرعی محسوب می شوند.

سیستم مفهومی اسلام، دارای درون شده های اطلاعات و برون شده های اطلاعات و انرژی است: قرآن و عترت تولیدکننده اولیه اطلاعات است و توزیع کننده آن عبارت اند از ارکان تعلیم و تربیت، مثل محدثان و مبلغان اسلامی، کتاب های تفسیری و روایی و...؛ تبدیل کننده های آن عبارت اند از صاحب نظران علوم انسانی اسلامی که آن مواد خام را تبدیل به مواد قابل جذب می کنند و مصرف کننده های آن عبارت اند از جوامع مسلمان و مسئولان اجرایی آن. ذخیره سازی اطلاعات در این سیستم نه تنها تأکید نشده است، بلکه اصولاً قابل تأیید نیست و درواقع، توزیع هرچه بیشتر و بهتر اطلاعات، به معنای ذخیره سازی آن است. دفع کننده ها در این سیستم مفهومی عبارت اند از متکلمان و محققان اسلامی. موتور حرکت در این سیستم، انگیزه های متعالی انسانی، پاداش های اخروی و عالمان دینی هستند که مرتب یادآور آن انگیزه ها می شوند،

۱. اگرچه دو واژه نظام و سیستم مترادف هستند، ولی در این نوشتار، سیستم را کلی تر و مشتمل بر چند نظام تلقی می کنیم.

آسیب‌شناسی و درمان در درون خود این سیستم انجام می‌گیرد، توجه شود که هر کدام از آنچه بیان شد، یکی از عناصر این سیستم محسوب می‌شوند.

موتور محرک این سیستم عبارت است از انگیزه‌های متعالی انسانی: این موتور محرک در انجام کارهای خیر، نوعی مسابقه و رقابت ایجاد می‌کند.^۱ این مسابقه در امور فردی و اجتماعی مطلوب است. همه چیز در زندگی انسان‌ها امتحان است و این دنیا برای ماندن نیست، بلکه کشتزاری است که برداشت محصول اصلی آن در دنیایی دیگر است و قطعاً انسان را به اموری مثل ترس، گرسنگی و از دست دادن جان، مال و محصولات می‌آزمایند،^۲ داخل بهشت شدن زحمت و سختی دارد،^۳ هر کس ذره‌ای کار نیک یا بد کند، آن را می‌بیند،^۴ هیچ کس بار دیگری را به دوش نمی‌کشد،^۵ هر کس کار خوبی انجام دهد، ده برابر پاداش می‌گیرد و کیفر کار بد فقط به اندازه خودش است،^۶ توجه اصلی انسان‌ها به تکلیف است نه به نتیجه آن پیروزی از جانب خداست^۷ و خداوند راه صحیح را به کسانی که برای او تلاش می‌کنند، نشان می‌دهد.^۸

این سیستم، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، هنجارها و نابهنجاری‌های خاص خودش را دارد، هر قدر از این هنجارها دور شویم، گرفتار آسیب شده‌ایم و متقابلاً راه درمان نیز بازگشت به همان هنجارها و دوری از ناهنجاری‌ها است.

بخش عمده‌ای از آسیب‌شناسی و درمان نیز در قالب هنجارها باید بحث شود، اما بعضی از آسیب‌ها و درمان‌های خاص نیز وجود دارد که به‌طور مجزا می‌تواند بررسی شود. ما بعضی از این هنجارها و ناهنجاری‌ها را فقط شمارش می‌کنیم.

بعضی از هنجارهای این سیستم مفهومی عبارت‌اند از: نماز خواندن و شکیبایی کردن،^۹ شهادت در راه خدا (کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نیستند، بلکه زنده‌اند)،^{۱۰} روزه،^{۱۱}

۱. «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (بقره، ۱۴۸).

۲. «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ» (بقره، ۱۵۵).

۳. «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ...» (بقره، ۲۱۴).

۴. «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال، ۷ و ۸).

۵. «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام، ۱۶۴).

۶. «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا» (انعام، ۱۶۰).

۷. «وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ» (روم، ۶). ۸. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت، ۶۹).

۹. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره، ۱۵۳).

۱۰. «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» (بقره، ۱۵۴).

۱۱. «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (بقره، ۱۸۳).

صبر، صداقت، عبادت، انفاق، استغفار در سحرگاهان،^۱ هجرت در شرایط خاص،^۲ حفظ شعائر دینی،^۳ عدل، احسان، توجه به بستگان، نهی از فحشا و منکرات و تجاوزگری،^۴ استفاده حلال از نعمت‌ها و لذت‌های دنیا،^۵ به دنبال امور پاکیزه گشتن،^۶ ایمان، عزت،^۷ اعتقاد به مبدء، معاد، شفاعت و پذیرش ولایت خداوند،^۸ وفای به عهد،^۹ و بسیاری دیگر از هنجارهایی که ارتباط مستقیم با آسیب‌شناسی و درمان دارند.

بعضی از امور نابهنجار در این سیستم عبارت‌اند از: تصرف باطل در اموال دیگران،^{۱۰} رشوه‌خواری و رباخواری،^{۱۱} توجه بیش از نیاز به دنیا و مظاهر دنیوی و به استهزاء گرفتن اهل ایمان و به خصوص، آنهایی که از دنیا بهره کمتری دارند،^{۱۲} ترک نماز،^{۱۳} اسراف و تبذیر،^{۱۴} توجه زیاد به اموال و اولاد،^{۱۵} ناامیدی از رحمت خدا،^{۱۶} خود را از نعمت‌های حلال محروم کردن^{۱۷} و به‌طور کلی، آنچه در آیات و روایات منع شده است؛ از امور نابهنجار تلقی می‌شوند. در این سیستم فرد مختار است و مسئولیت رفتار خود را دارد؛^{۱۸} در رفتار اختیاری، نیت فرد بسیار اهمیت دارد؛^{۱۹} اگر فردی با نیت غیر صحیح، رفتاری را انجام داد (مثلاً انفاق مال کرد)، به

۱. «الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» (آل عمران، ۱۷).

۲. «وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافَعًا كَثِيرًا وَسَعَةً» (نساء، ۹۹).

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ» (مائده، ۲).

۴. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ» (نحل، ۹۰-۹۲).

۵. «وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا...» (قصص، ۷۷).

۶. «قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ» (مائده، ۱۰۰).

۷. «فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر، ۱۰).

۸. «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء، ۳۴).

۹. «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِنَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ...» (بقره، ۱۸۸).

۱۰. «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِنَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ...» (بقره، ۱۸۸).

۱۱. «زَيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا...» (بقره، ۲۱۲).

۱۲. «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ...» (بقره، ۲۳۹).

۱۳. «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» (اسراء، ۲۷).

۱۴. «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ» (كهف، ۴۶).

۱۵. «لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» (زمر، ۵۳).

۱۶. «كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ...» (طه، ۸۰-۸۶).

۱۷. «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَآمَنَ مَن فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا» (يونس، ۹۹)؛ «وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَن شَاءَ فَلْيُكْفُرْ...» (كهف، ۲۹).

۱۸. امام علی (ع): «من اخلص النية تنزه عن الدنيا» (درایتی، ۱۳۸۰/۱۴۲۰ق، ۸۴۴۷).

همان مقدار که نیت او اشکال دارد، گرفتار آسیب شده است، حتی اگر خود آن رفتار کاملاً درست باشد؛ اگر آن رفتار، آثار سوء خارجی نیز ایجاد کرده باشد، آن هم آسیبی دیگر است. درمان بعضی از آسیب‌ها با توبه است. هر کس از خطایی که کرده است، توبه کند؛ خداوند می‌پذیرد،^۱ ولی اگر تا دم مرگ توبه نکرد، آنگاه دیگر پذیرفته نمی‌شود؛^۲ همچنین، عامل درمانی دیگر که می‌تواند آثار روان‌شناختی بسیاری داشته باشد، این است که هیچ‌کس بیشتر از قدرت و توانایی خودش تکلیف ندارد.^۳

بعضی از مفاهیم آسیب‌شناختی این سیستم عبارت‌اند از: شیطان،^۴ هوای نفس،^۵ کافرانی که دوست دارند تا مؤمنان را گمراه کنند،^۶ گناهانی که افراد یا گروه‌ها مرتکب می‌شوند و گاهی خداوند در همین دنیا نیز آنها را مجازات می‌کند.^۷ بعضی از افراد نسبت به برخی دیگر موجب فتنه می‌شوند.^۸ در این سیستم، بعضی از مفاهیم آسیب‌شناختی، توسط عقل انسان قابل دریافت نیست و مطالب مربوط به معاد، بهشت، جهنم، برزخ و... از این قبیل هستند.

این سیستم، مثل هر سازمان انسانی و اجتماعی دیگر دارای پیچیدگی است. برای درک دقیق و کامل این سیستم زمان بسیار لازم است و کمتر فردی ممکن است ادعا کند که من تمام سیستم مفهومی اسلام را با تمام جزئیات می‌دانم. آنچه مورد نیاز همه است، عبارت از چهارچوب‌ها، قالب‌ها و نظام‌مندی‌های کلی و حیطه‌های رفتاری زندگی شخصی است و البته به دست آوردن این مقدار ممکن است. برای فهم کامل این سیستم، به جز زمان، دقت کافی و روش‌هایی اعم از نقلی، عقلی، تجربه عینی و گاهی تجربه‌های درونی و شهود مورد نیاز است؛ پس این سیستم پیچیدگی خاص خودش را دارد. معمولاً سیستم‌ها برای حفظ و تکامل خود با

۱. «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ...» (نساء، ۱۷).

۲. «وَكَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ...» (نساء، ۱۸).

۳. «وَلَا تُكَلِّفْ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (مؤمنون، ۶۲).

۴. «فَازِلْهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا...» (بقره، ۳۶)؛ «إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَّا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا... قَالَ لَا تَخِذْ مِنْ عِبَادِكِ نَصِيبًا مَفْرُوضًا * وَلَا ضَلَّتْهُمْ وَلَا مَنِيتْهُمْ...» (نساء، ۱۱۷-۱۱۹).

۵. «وَأَنزَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخْ مِنْهَا فَاتَّبِعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ * وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ» (اعراف، ۱۷۵ و ۱۷۶).

۶. «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً...» (نساء، ۸۹)؛ «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ...» (بقره، ۱۰۹).

۷. «وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقَصْنَا مِنَ الثَّمَرَاتِ...» (اعراف، ۱۳۰).

۸. «وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً» (فرقان، ۲۰).

مسائل مشابهی نیز روبه‌رو هستند که کیفیت ارتباط با محیط، باز یا بسته بودن نسبی سیستم، سلسله‌مراتب کارکردی، داشتن سیستم‌های فرعی، نوعی انعطاف‌پذیری، تعادل‌گرایی و بازسامان‌دهی، تنوع ناشی از خود سیستم، روند تکاملی و... از این مسائل هستند.^۱

سیستم مفهومی اسلام، یک سیستم باز است؛ ورود اطلاعات و انرژی دارد و ورود هیچ‌گونه اطلاعاتی باعث توقف آن نمی‌شود، بلکه از روی اطلاعات جدید عبور می‌کند و برون‌دادی مناسب و تعادلی پویا و مستمر دارد، دارای سلسله‌مراتب است و سلسله‌مراتب آن به صورت یک مخروط قابل ترسیم است. در رأس این مخروط، مفهوم خداشناسی است^۲ و در رده دوم به مفاهیم انسان‌شناسی، جهان‌شناسی، راه و راهنماشناسی می‌رسیم. این سه مفهوم، شامل تمام تعالیم و مواضع اسلامی درباره علوم الهی، انسانی اجتماعی و طبیعی می‌شود. اگر هر کدام از این سه حیطه را با روش‌های متعدد مناسب با خودش مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم، شاخه‌های علمی بیشتری حاصل می‌شود^۳ و در ردیف بعدی، علوم رده اول اسلامی^۴ را یادآور می‌شویم که آنها نیز عبارت‌اند از: فقه، کلام، اخلاق، عرفان، فلسفه، طبیعیات؛^۵ هر کدام از اینها، از تمام عناصر ردیف قبل متأثر می‌شوند و در تک‌تک رفتارهای فردی و اجتماعی ما نقش تعیین‌کننده دارند، ما از

۱. ر.ک: برتالانفی، ۱۳۶۶.

۲. چون نگاه درون‌دینی داریم؛ خداشناسی در رأس مخروط واقع می‌شود و حتی جهان‌شناسی‌مان نیز متأثر از آن می‌شود، ولی اگر نگاه برون‌دینی داشته باشیم؛ جهان‌شناسی در رأس مخروط واقع می‌شود (منظور جهان مخلوقات است).

۳. از ضرب کردن سه حیطه‌ای که در رده دوم داریم، در شیوه‌های مطالعه (رده سوم)، یک حصر عقلی به دست می‌آوریم. منظور این است که تمام علوم و معارف در اینجا لحاظ شده است. در این نمودار، شیوه تجربی اعم است از تجربی بیرونی و تجربی درونی (شهود). بر این اساس، مدعی نیستیم که مثلاً راه راهنماشناسی تجربی نیز داریم.

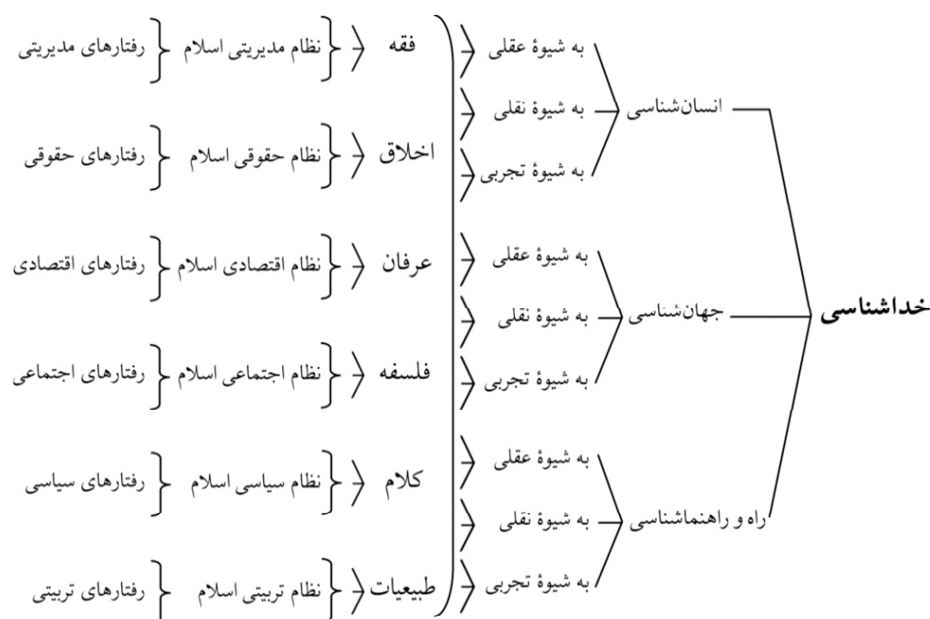
۴. بدین جهت، اینها را رده اول از علوم اسلامی می‌دانیم که اصالت دارند و علوم رده‌های بعدی مبتنی بر اینها هستند و برای اجرایی شدن اینها به وجود می‌آیند.

۵. با ذکر فلسفه و طبیعیات در این ردیف، نمی‌خواهیم وارد بحث امکان و عدم فلسفه اسلامی یا مثلاً فیزیک و شیمی اسلامی شویم، بلکه بدون تأکید بر نامگذاری، نظر به قدر مسلم این تأثیر و تأثرات داریم؛ و آن قدر مسلم عبارت است از اینکه:

اولاً: در متون دینی، گزاره‌های بسیاری داریم که به محتویات فلسفی یا طبیعی پرداخته است؛ ثانیاً: یک فیلسوف یا طبیعی‌دان مسلمان، ممکن است در هدفگذاری مطالعات یا انتخاب موضوعش با غیر مسلمان متفاوت باشد؛

ثالثاً: یک طبیعی‌دان یا فیلسوف مسلمان، در تعامل علمی با مسلمانان می‌تواند از داده‌های قطعی و حیانی به عنوان مقدمات برهان خود استفاده کند.

مجموعه داده‌های قبلی و دستورالعمل‌های حاصل شده در این ردیف، به تنظیم و شکل‌بندی نظام‌هایی اسلامی برای هر یک از علوم رفتاری؛ مثل علوم اجتماعی، مدیریت، تعلیم و تربیت، سیاست، اقتصاد و... می‌پردازیم.^۱ نمودار شماره ۱، این مطلب را به اختصار نشان می‌دهد.



تمام علوم اسلامی، ارتباط و تمام این نظام‌ها، ارتباط
تأثیر و تأثر عرضی نیز دارند عرضی با یکدیگر نیز دارند

شکل ۱: سلسله‌مراتب مخروطی شکل در سیستم مفهومی اسلام

در شکل شماره ۱، تأکید بر این نکته است که سلسله‌مراتب در سیستم مفهومی اسلام، وجود دارد و از راه این سلسله‌مراتب است که تمام رفتارهای فردی و اجتماعی ما با آن مفهوم اساسی اسلام، یعنی خداشناسی مرتبط می‌شود.

در این سیستم مفهومی، نوعی انعطاف‌پذیری و تعادل‌گرایی وجود دارد، به‌ویژه در علوم

۱. همچنان که مرحوم شهید صدر در اقتصادنا متذکر شده‌اند، این نظام‌ها در مقام ثبوت و در ردیف قبل از رفتارها قرار دارند، چون رفتارها ناشی از نظام‌های ذهنی معصومان علیهم‌السلام هستند، اما در مقام اثبات بعد از ردیف رفتارها جای می‌گیرند، چون ما از طریق اعتقادات اساسی و دستورالعمل‌های عملی مسلم، آن نظام‌ها را کشف می‌کنیم.

مثل فقه و کلام، موضوعات جدیدی به تناسب تغییرات فرهنگی و اجتماعی، در هر عصر و سال مطرح می‌شود و این علوم، آنها را پردازش و برون‌دادهایی متناسب با کل این سیستم مفهومی ارائه می‌کند. پذیرش اجتهاد در اسلام بیانگر همین معناست؛ انعطاف‌پذیری و تعادل‌جویی مستمر براساس قالب و چهارچوب‌های مسلّم این سیستم. در نتیجه همین انعطاف‌پذیری است که هم تنوع در آن یافت می‌شود و هم در تعامل با محیط یک روند تکاملی می‌یابد. فقه امروز با فقه دویست سال پیش و فقه آن زمان با فقه صدر اسلام بسیار متفاوت است و سیری تکاملی دارد، موضوعات کلامی نیز این سیر تکاملی را طی می‌کند، سایر علوم اسلامی هم روندی تکاملی دارند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که این سیستم مفهومی نیز همانند بسیاری از سیستم‌های مفهومی یا عینی دیگر با مسائل مشابهی روبه‌روست و با آنها دست و پنجه نرم می‌کند و راه تکامل به سوی هدف تعیین‌شده خود را می‌پیماید.

روانشناسی جامعه‌نگر، کل جامعه را به عنوان یک سیستم عینی در نظر گرفت؛ خیلی بلندپروازانه ظاهر شد و تمام اصلاحات اجتماعی را نصب‌العین خود قرار داد، ولی به‌زودی متوجه بلندپروازی خود شد و پس از آن، خود را در سطح مدارس محدود کرد.^۱ آن ادعا برای یک علم و یک مکتب علمی که محصول افکار و تلاش تعداد محدودی از دانشمندان است، شایسته نیست؛ اما از یک مکتب آسمانی و ناشی از وحی الهی که در مقاطعی از تاریخ نیز حضور و بروز جدی در بعضی جوامع داشته، شایسته است. این مکتب آسمانی می‌تواند یک سیستم مفهومی جامعه‌نگر مانند اسلام باشد. اسلام دین هدایت است و به عنوان وجدان بیدار جامعه اسلامی، در محیط طبیعی سیستم‌های فرعی حضور می‌یابد و هدف خود را اصلاح آن سیستم‌های فرعی می‌داند و از طریق آن سیستم‌ها بر افراد اثر می‌گذارد.

شهید محمدباقر صدر، نگاهی سیستمی به مفاهیم اسلامی دارد. آثار ایشان مانند فلسفتنا (صدر، ۱۴۰۸/ق ۱۳۶۶)، اقتصادنا (صدر، ۱۴۱۱ق) و مجتمعنا (حکیم، ۱۳۸۸) که ناتمام ماند و بعضی از سخنان وی این دیدگاه را به‌خوبی ترویج می‌کند. ایشان در روش تفسیری، تفسیر موضوعی و یکپارچه را لازم می‌دانند و لزوم این روش را به مباحث فقهی نیز تعمیم می‌دهند.

این روش تفسیری در مقام آن نیست که قرآن را آیه‌به‌آیه تفسیر کند؛ بلکه تلاش بر این است که موضوعی اعتقادی، اجتماعی یا علمی مربوط به هستی را که در متن زندگی انسان مطرح

۱. ر.ک: اصغر نژاد و همکاران، ۱۳۹۳.

است، از دیدگاه قرآن مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد، مثلاً آرمان توحید در قرآن و یا پدیده پیامبری در قرآن، یا مکتب اقتصاد در قرآن، یا مسئله سنت‌های تاریخی در قرآن و یا موضوع کرات آسمانی و کره زمین در قرآن کریم به تحقیق و پژوهش و تبیین کشیده می‌شود...؛ هدف تفسیر موضوعی یا تفسیر یکپارچه آن است که موضع‌گیری فکری و دیدگاه ایدئولوژیک قرآن و در نتیجه جهان‌بینی و طرز تفکر اسلامی پیرامون آن موضوع از موضوعات زندگی یا طبیعت را تعیین و تعریف کند...؛ من بیشتر گمان می‌کنم که روش موضوعی و یکپارچه در فقه با گسترش و انتشار خود به میزان بسیار زیادی موجب تحول اندیشه فقهی و غنای بررسی‌های علمی در زمینه فقه شده است؛ درست به همان اندازه که روش تفسیری جزء به جزء و گسترش و انتشار این روش در تفسیر قرآن زمینه جمود، عدم رشد و تکامل یافتن فکر اسلامی در زمینه تفسیر قرآن را فراهم آورده است.^۱

این نشست در برابر قرآن و رجوع به آن، توأم با سکوت و تنها شنونده بودن نیست، بلکه مفسر با قرآن به گفتگو می‌نشیند، پیرامون موضوع مورد نظرش گفتگو می‌کند و هدفش این است که موضع‌گیری قرآن در خصوص آن موضوع را کشف کند؛ به عبارت دیگر، او می‌خواهد از رهگذر مقایسه متن قرآنی با افکار و اندیشه‌های مربوط به زندگی روزمره به نتیجه برسد. بنابراین، نتایج تفسیر موضوعی همواره با موج تجربه انسانی رابطه تنگاتنگ دارد.

تفسیر موضوعی به معنای گفتگو با قرآن و پرسشگری از قرآن است؛ آن هم یک پاسخ‌خواهی فعال به منظور کشف حقیقتی از حقایق بزرگ زندگی. اگر قرآن بدین‌گونه مورد تفسیر قرار گیرد، همیشه توانایی بازدهی، جوشش و بخشش نو و دائم و بالآخره توانایی نوآوری و ابداع را خواهد داشت؛ زیرا به تصریح خود قرآن، کلمات خداوند نهایت‌پذیر نیست.^۲

یک پژوهش فقهی باید در بعد افقی از تمام توان‌گرایش موضوعی بهره‌برداری کند؛ این موضوع‌گرایی در فقه یا همان گرایش موضوعی، روش و شیوه معمول دانشمندان و فقها بوده است؛ بدین ترتیب که واقعیت‌های عینی زندگی به صورت مسائلی چون: «جعل‌ه»، «مضاربه»، «مزارعه»، «مساقات»، «نکاح» و جز اینها به فقها منعکس می‌شد و آنان به بررسی، مطالعه و حصول آگاهی از چون و چندانها می‌پرداختند. یک پژوهش فقهی، در بعد عمودی نیز باید جهت‌گیری موضوعی داشته باشد؛ یعنی دارای نفوذ، جریان، گسترش و امتداد عمودی باشد. به سخن دیگر، فقه باید به

۱. ر.ک: صدر، ۱۳۶۹.

۲. «وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (لقمان، ۲۷)؛ اگر هر درختی در زمین قلم شود و دریا از هفت دریا دیگر برای نوشتن کلمات خداوند کمک گیرد، کلمات خدا پایان‌پذیرد که خدا چیره و فرزانه است.

نظریه‌های بنیادین دست یابد و تنها به قالب‌ها، ساختارهای روبنایی و قانونگذاری‌های تفصیلی اکتفا نکند. فقه باید از لایه‌های این قالب‌های مشخص و از رهگذر این ساختارهای روبنایی به یک سلسله نظریات اساسی که نمایانگر نقطه نظر اسلام باشد، دسترسی پیدا کند.

مجموعه قوانین مربوط به هر یک از شؤون زندگی، مستقیماً به تئوری‌های بنیادین وابسته است و بر این اساس، احکام و قوانین اقتصادی اسلام با دکتترین اقتصادی اسلام و نظریه بنیادینی که درباره اقتصاد مطرح می‌کند، مرتبط است؛ همان‌گونه که احکام و قوانین اسلامی در زمینه ازدواج، طلاق و روابط زن و مرد با تئوری و نظریه اساسی این دین درباره زن و مرد و نقش هر یک از آنان در ارتباط است.

شاید این پرسش مطرح شود که دست یافتن به نظریه‌های زیربنایی و تئوری‌های اساسی چه ضرورتی دارد؟ چه الزامی وجود دارد که ما این نظریات را بررسی و تعیین کنیم؛ در حالی که خود پیامبر ﷺ نیز این نظریات را به صورت یک سلسله تئوری‌های مشخص و کلی ابراز نکرده است.

حقیقت این است که بیان، تعیین و احراز تئوری‌های زیربنایی اسلام یک ضرورت اصلی و جدی است که نمی‌توان خود را نسبت به آن بی‌نیاز انگاشت. پیامبر ﷺ نیز این نظریات اساسی را ارائه می‌فرموده‌اند. همکاری وسیع و طیف گسترده مبادلات بین مردم جهان اسلام و دنیای غرب موجب شده است که انسان مسلمان، در زمینه‌های مختلف شؤون زندگی، خود را در برابر انبوهی از نظریه‌ها و تئوری‌ها ببیند و بدین ترتیب ناگزیر خواهد بود که موضع‌گیری اسلام نسبت به این نظریات و تئوری‌ها را تعیین و تبیین کند. او برای این منظور، به ناچار باید عبارات، نصوص و متون اسلامی را بررسی کند و آنها را به استنتاج، سؤال و پرسش بکشد.

۳. ابعاد مختلف اسلام و تقسیم‌بندی‌های متعدد

اسلام تمام ابعاد زندگی را پوشش می‌دهد. دینی است که برای تمام مقاطع زندگی و در تمام شرایط تناسب دارد. متون دینی نیز چنین اقتضایی دارد، همچنین روش استفاده و استنباط از متون (روش اجتهادی) چنین زمینه‌ای را فراهم می‌کند. هر گونه سؤال جدید و مستحدثه‌ای در این چهارچوب قابل بررسی و پاسخ‌یابی است.

بحث ویژه: نگاهی به روش اجتهادی در اسلام

چند نکته در این مورد قابل توجه است:

۱. اسلام، مجموعه‌ای از آموزه‌ها، احکام و قوانین است که پیروان آن، به حکم عقل، تبعیت از آن را بر خود فرض می‌شمارند.
۲. آموزه‌های اسلام در زمان کنونی، در قالبِ متونِ زبانی عرضه شده است.
۳. دین‌مداران برای ترسیم نظام‌نامه دین، چاره‌ای جز تمسک و رجوع به تجلی زبانی و متون دینی ندارند.
۴. با گذشت زمان و دور شدن از عصر نصوص و زایل شدن بسیاری از قرینه‌های حالی و مقالی و نیاز روزافزون به بررسی موضوعات جدید، ضروری است که محققان و دین‌پژوهان در فهم کتاب خدا و سخنان معصومان، ژرف‌کاوی‌ها و تأملات بیشتری را به کار ببرند.
۵. فهم درست و دقیق از متن و نسبت دادن آن به اسلام، نیازمند دو نوع بررسی سندی و مفهومی است.
۶. برای طی شدن این مسیر، عالمان دینی، از روشی به نام روش اجتهادی استفاده می‌کنند. این روش در حوزه‌های علمیه شیعیان، در مباحث فقه، به تفصیل مورد استفاده قرار گرفته و به تدریج کامل شده است.
۷. برای «اجتهاد»، ابزارها و شرایطی وجود دارد؛ به عنوان مثال، آشنایی با ادبیات عرب، علم منطق، دانش اصول فقه، علم رجال و تراجم، قرآن و سنت (اقوال، افعال، و تقریرات معصومین)، ممارست و تمرین عملی، مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی و کلامی و...، از این ابزارها و شرایط به حساب می‌آیند.
۸. اجتهاد، منابع و ادله مشخصی دارد که عبارت‌اند از: قرآن، سنت، عقل و نتایج اجتهاد مجتهدان پیشین در هر موضوع.
۹. برای معلوم شدن دلالت یک دلیل بر یک مطلب، قواعدی وجود دارد که به تفصیل در علم اصول فقه بحث می‌شود، به عنوان مثال: «در مقام بیان بودن»، «اطلاق و تقیید»، «عام و خاص»، «مفهوم‌گیری از کلام»، «مجمل و مبین»، «ناسخ و منسوخ»، «محکم و متشابه»، «ظاهر و اظهر» و...، از جمله این قواعد هستند.
۱۰. روش اجتهاد که در مباحث فقهی به کار رفته است، در علوم انسانی اسلامی نیز می‌تواند کاربرد داشته باشد.
۱۱. تعریف: «اجتهاد دینی، اصطلاحاً کوششی علمی است که براساس منابعی معتبر با ابزار و عناصری لازم برای تفهم، اکتشاف و استخراج مطلق آموزه‌های دین، انجام می‌شود؛ به گونه‌ای که از اعتبار (حُجَّت، یا صرفاً مُنْجِزِیَّت و مُعَدَّرِیَّت) برخوردار باشد.
۱۲. یادآوری: از آنجا که الف) روش اجتهادی به اندازه کافی در موضوعات جدید به کار گرفته نشده است؛ ب) فرایندی دشوار، زمان‌بر و دقیق است؛ ج) احساس نیاز برای اجتهاد در علوم انسانی اسلامی جدید است؛ د) این روش قبلاً اختصاص به مباحث فقهی و احکام عملی داشته و ارزش معرفتی برای آن تعریف نشده است؛ همه اینها باعث شده است که بعضی از محققان با نوعی استبعاد با آن روبه‌رو شوند که در جای خود قابل بررسی است.
۱۳. این روش، ظرفیت پاسخ‌دهی به سؤالات و نیازهای همه زمان‌ها و مکان‌ها را فراهم می‌آورد. تاریخ فقه استدلالی و کاربردی (رساله‌های عملیه) و گسترش مسائل و موضوعات آن، پیشرفت آن با نیاز زمان را به خوبی نشان می‌دهد؛ به عنوان مثال، موضوعاتی مثل هیپنوتیزم، تلقیح مصنوعی برون‌رحمی، سقط جنین (کورتاژ)، کنترل جمعیت و جلوگیری از بارداری، فیلم و عکس نامحرم، دست زدن و رقصیدن، خروج زن از منزل و اذن شوهر، ازدواج فامیلی، امامت شخص غیر روحانی برای نماز جماعت، استفاده از دارو برای جلوگیری از حیض، نماز جمعه، نماز عید فطر و نماز عید قربان، معنای وطن، بلاد کبیره، کم شدن فاصله بلاد به جهت توسعه محل، مهریه‌های قدیم و محاسبه‌های امروزی، احداث خیابان‌ها و تملک املاک شخصی افراد در حکومت اسلامی،

پاسور، شطرنج، مواد مخدر، فروش خون، شعبده‌بازی، سحر و جادو، نقاشی و مجسمه‌سازی، وام بانکی، سپرده‌های ثابت، تصرف بانک در پس‌اندازها، جایزه بانکی، حیات و تحجیر، حریم شهر و حریم روستا، محاکمه غیابی، تحت فشار قرار دادن متهم، مسائل مختلف مربوط به دفاع، جبهه و جنگ، شهید و شهادت، جانبازی و اسارت و مسائل مربوط به خانواده‌ها و...، موسیقی و غنا، طبل و دهل و...، ورزش، بیمه، قه‌زنی، تعزیه، فروش و اعطای اعضای بدن، پیوند اعضا، تشریح و کالبدشکافی، آزمایش‌های پزشکی، داروها و تحقیقات جدید، قرعه‌کشی‌های بانکی و...، قوانین دولتی، کار در مؤسسات دولتی، احکام چک و سفته، مالیات و عوارض، بیماری و سواس فکری و عملی، خانقاه، تقلب در امتحان و بسیاری از موضوعات دیگر، همه از مواردی هستند که در چند دهه پیش، با در کتاب‌های فقهی حضور نداشتند و یا به صورتی بسیار کلی و کمرنگ مطرح می‌شدند، و اکنون حضور آشکار دارند؛ بنابراین، مطرح شدن یک رویکرد جدید راجع به روش اجتهادی، امری غریب نیست.

صاحب‌نظران، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی را از ابعاد مختلف اسلام ارائه کرده‌اند، اما می‌توان گفت که هیچ‌کدام از آنها کامل نیست. اگر بخواهیم جامعیت اسلام را متوجه بشویم، باید دورنگاهی به چند نمونه از این تقسیم‌بندی‌ها در کنار هم داشته باشیم، زیرا هر کدام با هدف و جهت‌گیری خاصی شکل گرفته‌اند. بر این اساس، به تعدادی از این تقسیم‌بندی‌ها اشاره می‌کنیم.^۱

الف) قول مشهور راجع به ابعاد اسلام

بنا به قول مشهور و قدیمی، آموزه‌های اسلام بر سه محور اعتقادات، اخلاقیات و وظایف عملی (عبادات) قرار دارند که به اختصار بیان می‌شود؛ شهید مرتضی مطهری^۲ نیز همین طبقه‌بندی را می‌پذیرد: ۱. اعتقادات: اصول اعتقادی اسلام، یعنی ایمان و عقیده به توحید، نبوت و معاد. این سه اصل، شالوده دیانت اسلام را تشکیل می‌دهند، به گونه‌ای که همه گزاره‌های خبری و انشائی که در این آیین آمده، معنابخشی خود را از این سه اصل گرفته است. این اصول مطالب فراوانی را ذیل خود دارند که در جای خود قابل بررسی است؛ برخی مسائل مانند امامت و پیشوایی معصومان^۳ پس از پیامبر اکرم^۴ افزون بر آنکه از آیات قرآن قابل استفاده است^۵ و احادیث متعددی^۶ نیز بر آن صراحت دارد، درحقیقت اصل مستقلاً نیست. در کنار این اصول اعتقادی، اعتقادات دیگری مطرح می‌شود که یک مجموعه اعتقادی منسجم و قابل دفاع را می‌سازند. ۲. اخلاقیات: دومین پیام مهم اسلام و قرآن، اخلاق است؛ یعنی اصول اخلاقی که انسان باید مطابق و موافق با آن زندگی کند. منظور از اخلاق، این است که ویژگی‌های درونی و روانی خود را به

۱. ر.ک: آذریباجانی، ۱۳۸۲.

۲. ر.ک: مطهری، ۱۳۶۹.

۳. «وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا...» (بقره، ۱۲۴)؛ (زخرف، ۲۸)؛ (زمر، ۹)؛

(نحل، ۴۸)؛ (یونس، ۳۵) و... .

۴. ر.ک: کلینی، بی‌تا، ج ۱، کتاب الحجج.